

متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و دوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 15 فروردین 1388

بسم الله الرحمن الرحيم

گزارشی از جلسات سابق

مستحضرید که بحث ما در مورد اعتبار یا عدم اعتبار خبر واحد در مصادیق موضوعات احکام شرعی است. در مصادیق موضوعات احکام شرعی عرض می کردیم مثلاً خبر واحد بیاید و بگوید فلانی مجتهد است یا فلانی اعلم است یا فلان آب کر است یا قلیل است یا فلان چیز خون است یا ماه دیده شده و...

در همین جا این سوال پیش می آمد که آیا می شود به کارشناس واحد اکتفا کرد یا نه؟ البته برخی چیزها وجود دارد که مستقیماً مصداق موضوعات شرعی نیست اما همین حکم را داشت مانند قول رجالی ها؛ وقتی می گویند فلانی ثقة است یا فلانی شیعه است و... در اینجا روی یک مصداق دست می گذارند و وجه اشتراک با مصادیق موضوعات هم همین جاست.

استاد: بحث، بسیار فاخر است و من کمتر بحثی را سراغ دارم که این جور در فقه تاثیر گذار باشد.

مرحله تحقیق

بسم الله الرحمن الرحيم

راجع به مساله اعتماد به خبر واحد در مصادیق و موضوعات احکام شرعی و به تعبیری شبیه اینها، مسلم ما در چند شماره مطلب را بیان می کنیم.

1. مسلم موارد خبر واحد فرق می کند گاهی از سنخ خبر است (همانطور که شیخ انصاری فرمود) طرف نظر می دهد و هیچ اعمال نظری نمی کند که به این شهادت می گویند اما گاهی اعمال نظر می کند که به این کارشناسی گویند؛ مثلاً کسی که از قیمت ارز خبر می دهد کارشناسی نمی کند بلکه قیمت بانک مرکزی را می گوید و علما این را شهادت می نامند. اما برخی از اوقات کارشناسی است مثل مثالی که شیخ انصاری می زد و می فرمود مقوم کالا را کارشناسی می کند قیمت را می سنجد بعد هم نظر خود را بیان می کند. در این صورت برخی گفته اند عقلاً به نظر کارشناس اعتماد می کنند اما در شهادت، تعدد شهادت دهندگان لازم است.

2. برخی از اوقات در مورد فصل خصومت است و ما برای داوری نظر می گیریم اما گاهی اینگونه نیست؛ مثال صورت دوم: مثل جایی که شخصی خبر می دهد و می گوید این آب نجس است یا کر یا قلیل و... است. اما صورت اول: مانند جایی که شخص زده و گوش دیگری را کر کرده است به سراغ پزشک قانونی می رویم و می پرسیم آیا شنوایی را از دست داده یا نه؟ چه مقدار از شنوایی اش از بین رفته است؟ و... در این صورت کارشناس با دستگاہی که دارد به راحتی تشخیص می دهد در این صورت ما برای رفع خصومت سراغ پزشک رفته ایم. حال باید ببینیم آیا مقام فصل خصومت با غیر مقام فصل خصومت فرق دارد یا نه؟

3. برخی اوقات قول خبر واحد، دلیل خاصی بر اعتبارش است مثل قول ذوالید؛ مانند خانمی که در خانه است و به شوهرش می گوید این لباس پاک است یا نجس است و... در اینجا ممکن است ما بحث ثقه، عدالت، تعدد را لازم ندانیم یا مثلاً شخصی وکیل دیگری است و قولش در حیطه وکالت برای موکل حجت است و تعدد، عدالت و... شرط نیست اما گاهی مانند این دو صورت نیست. استاد: ببینید دوستان کسی که بخواهد اظهار نظر در مساله بکند باید این شقوق را مد نظر داشته باشد.

4. مطمئن باشید ما در روزهای آینده مواردی را مطرح خواهیم کرد که به شک خواهیم رسید و لذا از نظر ادله شرعی دستمان

کوتاه خواهد شد. و به ناچار به بنای عقلا سری خواهیم زد؛ باید ببینیم عقلا در برخورد با این مصادیق، چه بنایی دارند؟ آیا بنائشان این است که از دو کارشناس استفاده کنند یا از یک کارشناس هم استفاده می کنند؟ آیا وصف عدالت را معتبر می دانند یا نه؟ آیا ثقه بودن را معتبر می دانند یا نمی دانند؟ از نظر جنسیت (زن یا مرد بودن) آیا جنسیت خاصی را شرط می کنند یا دنبال جنسیت نیستند؟

اگر بنا عقلا ثابت شود و به عصر معصوم برسد یا طبق نظر ما در فقه و عرف، بنای باشد که تجسد درک عقل باشد و نیاز به اتصال به زمان معصوم نداشته باشد؛ در این صورت اگر شارع ردع کرده باشد به نحو مضیق کردن یا موسع کردن مثلاً عقلا بگویند یقین لازم است شارع بگوید یقین نمی خواهد یا مثلاً عقلا اطمینان را کافی بدانند اما شارع یقین را شرط کند. باید در تمامی این صورت ها ببینیم بنا عقلا چیست؟

دوستان بسم الله؛ بحث بنا عقلا که اطلاعات فقهی نمی خواهد؛ دوستان عقلا در مصادیق، دنبال اطمینان هستند و لذا اگر به کارشناس مراجعه می کنند یا در باب قضا فصل خصومت می کنند یا زندگی شان را می چرخانند و... آنچه که برایشام مهم است اطمینان است و لذا نه دنبال خبر واحد هستند و نه دنبال خبر متعدد؛ نه دنبال جنسیت هستند و نه دنبال عدالت ... در دنیای که ما هستیم مردم دارند زندگی می کنند و اساس کارشان در مراجعه به پلیس راه، بانک، صراف، قیمت گذار و... اطمینان است. البته در عقلا برای اینکه زندگی بچرخد ناچار هستند یکسری قوانین وضع بکنند و لذا در نظامات قضایی، عقلا اگر بخواهند همه جا اطمینان را شرط کنند سر از بی نظمی در می آورد.

در برخی کشورها مثل فرانسه سیستم دلایل معنوی حاکم است و قاضی باید با آرامش وجدان قضاوت کند اما از او نمی پرسند این قناعت وجدان را از کجا آورده ای. اما همه کشورها این طور نیست و طبق امارات قانونی حکم می کنند و در کشور ما هم همین سیستم غالب است و لذا اگر بینه قناعت وجدان هم ایجاد نکند حجت است. البته در سیستم اسلام، مخلوطی از امارات قانونی و دلایل معنوی حاکم است.

عقلا بنایشان بر اطمینان است و ما باید ببینیم شارع مقدس خلاف این بنا تاسیسی دارد یا نه؟ مثلاً شارع در بینه بر خلاف عقلا صحبت می کند و بینه ای که اطمینان آور هم نباشد را حجت می داند.

فردا می خواهیم به عناصر سه گانه عدالت، تعدد و جنسیت خاص پردازیم و ببینیم آیا این سه، در امور محسوس معتبر است یا نه؟ اول موضع فقها را بررسی می کنیم و بعد به اقتضا دلیل می پردازیم.

**و الحمد لله رب العالمین**